

## متن پرسش

سلام علیکم بنده یک مشکل (سوال) اساسی دارم و بدون اغراق ده ها بار از این مساله صدمه خورده ام. وقتی که کتاب «جایگاه رزق انسان در عالم هستی» را مطالعه می کردم دوباره آن مشکل برایم تداعی شد. شما در آن کتاب فرمودید که انسان باید به رزقی که خدا برایش مقدر فرموده است راضی باشد چون او خالق ماست و از ما به ما مهربان تر است پس قطعاً چیزی را برای ما مقدر می کند که به بهترین نحو ممکن بتوانیم آخرت خود را آباد کنیم. پس باید به همان رزق قناعت کنیم و بدانیم که تمامی اموری که برایمان پیش می آید امتحان و ابتلاء است و باید تمام تلاشمان را بکنیم که سربلند از امتحانات الهی بیرون بیاییم. الحمدلله بنده مثقال ذره ای به این امر شک ندارم. ولی شما در بخش دیگری از کتاب با استناد به احادیثی فرمودید که عواملی نظیر گناه، غفلت و ... روزی انسانها را کم میکند. حال سوال اساسی من اینجاست که فردی را در نظر بگیرید که رزق کمی دارد. او از کجا باید بفهمد (تاکیدم بر روی همین قوه تشخیص فرد مورد نظر است) که این رزق کم همان رزق مطلوبی است که خداوند حکیم برای او در نظر گرفته است و او با همین رزق کم میتواند آخرت خود را بسازد و باید بر قلت رزق خویش صبر کند یا اینکه این رزق کم را خداوند برای او مقدر نکرده است بلکه او با گناهانش سبب شده است که رزقش تقلیل پیدا کند و حالا باید استغفار کند تا رزق مطلوب خود، برای اصلاح آخرت را به دست آورد؟ مشکلی که بنده ده ها بار به آن برخورد کردم در مورد رزق نبوده است بلکه در مورد عبادات و بندگی ام!!! بوده است. بنده زمانهایی حال معنوی خوبی دارم (الحمدلله). ولی زمانهایی این حال معنوی از بنده ریشه کن می شود تا جایی که از نمازی میخوانم حالم به می خورد. سوالم اینجاست که از کجا باید بفهمم که این حالت مورد رضایت خدا هست و باید در این مساله صبر کنم یا خیر؟ چون که احادیث مختلفی هست به این مضمون که خدا برای اینکه بنده اش دچار عجب و غرور نشود خواب را بر چشمان بنده اش مسلط می کند و او را از نماز شب محروم میکند چون خدا حکیم است و قطعاً خیر بنده اش را میخواهد. او میبیند که این نماز شب به جای اینکه بنده را به خدا نزدیک کند، دارد او را به بیراهه میکشاند پس بهترین حالت برای او خوابیدن است. ولی من از کجا باید این مساله را تشخیص دهم. من از کجا باید بدانم که از دست رفتن حال معنوی ام به نفعم هست و باید صبر بر طاعت خدا کنم یا اینکه از دست رفتن حال معنوی ام به سبب گناهان بی شمارم است و باید برای آنها استغفار کنم. برای مثال از صبح تا ظهر حال معنوی خوبی دارم ولی به یک باره حالم دگرگون میشود. هر چه در اعمالم جستجو میکنم چیزی نمی یابم و وقتی این وضع ادامه پیدا میکند شروع به جزع و فزع میکنم و متأسفانه ده ها بار از این مساله ضربه خورده ام و حاصلی جز گناه

و معصیت نداشته است؟ تکلیفم چیست؟ صبر بر این حالت (که البته به شرطی مد نظر خدا باشد و به وسیله آن آخرتم را آباد کنم) یا استغفار از گناهانم به خاطر این بد حالی؟ با تشکر فراوان-اللهم احفظ امامنا الخامنه ای

#### متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی در مورد قسمت اول سؤال حقیقت این است که رزق هرکس مقسوم و تعیین شده است منتها گناهان موجب می شود تا آن رزق برای انسان تنگ شود و به سختی به دست آید. همان طور که وسعت رزق به معنی ثروت مند شدن نیست بلکه به معنی راحتی در کسب رزق است تا انسان به امور معنوی خود بپردازد و استغفار ما موجب می شود تا رزق از تنگی به وسعت تبدیل شود. در هر صورت ما همیشه در بین خوف و رجاء هستیم و باید از استغفار نسبت به گناهان و غفلت ها غافل نباشیم. در مورد حالات معنوی هم شما باید خود را در حال خوف و رجاء قرار دهید، چون نه می دانید آن قبض به جهت گناهان است و یا نه، لذا استغفار می کنید تا جزء مستغفرین و توابین باشید و هم امیدوارید که در هر حال از رحمت خدا بیرون نیفتاده اید. و این حالت خوف و رجاء تا آخر با شما باید باشد. موفق باشید